

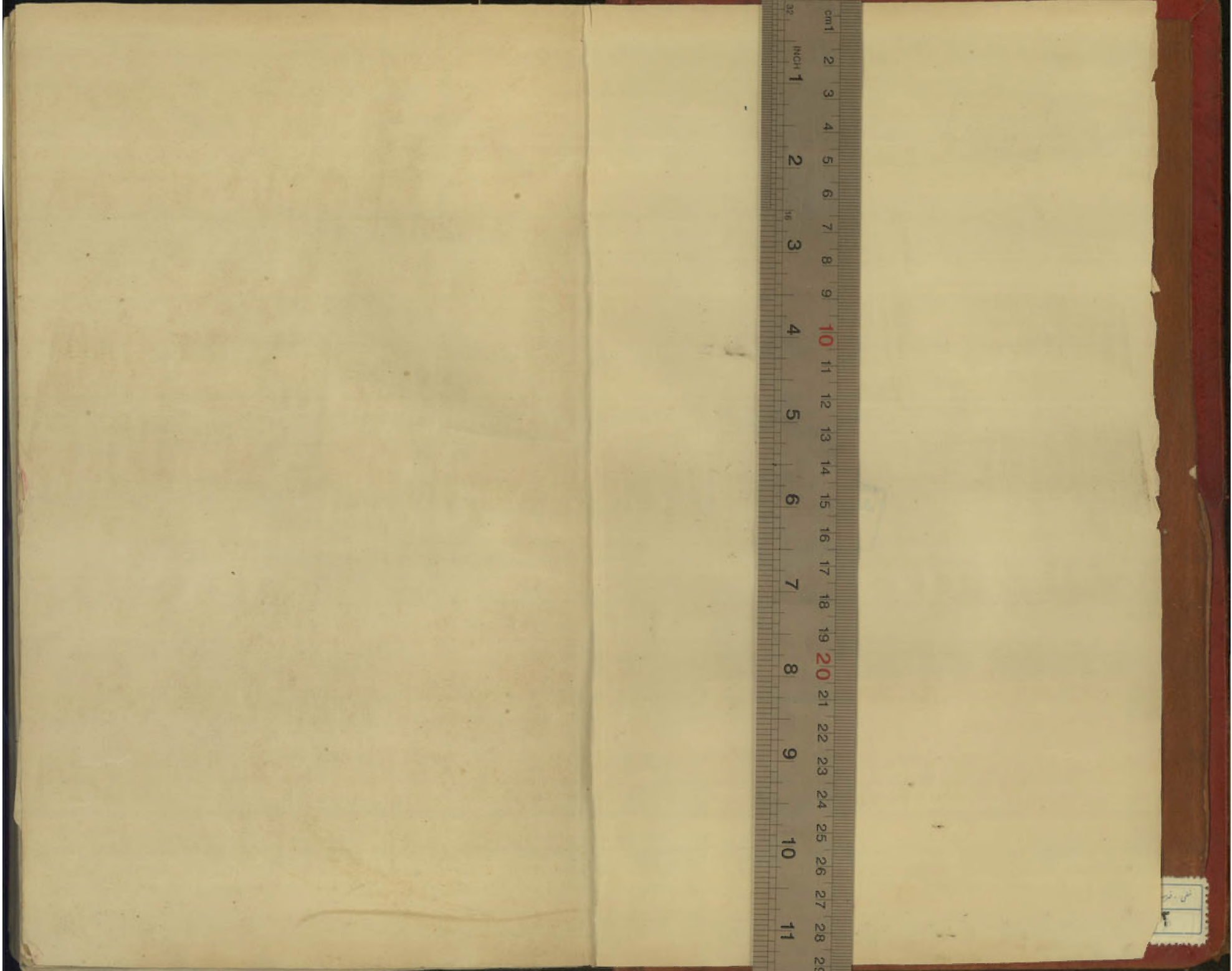
بازرسی شد
۳۶ - ۲۷

بازدید شد
۱۳۸۲

تاریخ

کتابخانه مجلس شورای ملی		۵۸۳۲
کتاب آتشکده آذر		شماره ثبت کتاب
مؤلف		۱۲۵۶
موضوع		۶۱۸۸۰
شماره قفسه	۵۷۰۲	+

شماره ثبت شد
۵۷۰۲



ملفوظات
۲

این کتاب در کتابخانه
 مجلس شورای اسلامی
 تهران ثبت شده است
 شماره ثبت: ۱۳۵۷
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۷/۱۰/۱۵
 این کتاب در کتابخانه
 مجلس شورای اسلامی
 تهران ثبت شده است
 شماره ثبت: ۱۳۵۷
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۷/۱۰/۱۵



این کتاب در کتابخانه
 مجلس شورای اسلامی
 تهران ثبت شده است
 شماره ثبت: ۱۳۵۷
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۷/۱۰/۱۵
 این کتاب در کتابخانه
 مجلس شورای اسلامی
 تهران ثبت شده است
 شماره ثبت: ۱۳۵۷
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۷/۱۰/۱۵

دودی و سردی و گلفای هوا و در قوس انکار انکه دست است چهار گوشه و چهار وجه خرق این و آن نفس و غرق و غرق و در جادو و در آیه است اگر دو که در است آفرین و غرق جان خود را کف حاشی	نظر است که ساقی بجز از ساق است این دولت که دست است فقط اگر ساقی بجز از ساق است فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط	پا بگشاید و در جهان گشاید او نماند جا که دست است دو انگشت یکبار و یک خرق این و آن نفس و غرق و غرق اگر ساقی بجز از ساق است فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط
دستی و سردی و گلفای هوا و در قوس انکار انکه دست است چهار گوشه و چهار وجه خرق این و آن نفس و غرق و غرق و در جادو و در آیه است اگر دو که در است آفرین و غرق جان خود را کف حاشی	نظر است که ساقی بجز از ساق است این دولت که دست است فقط اگر ساقی بجز از ساق است فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط	پا بگشاید و در جهان گشاید او نماند جا که دست است دو انگشت یکبار و یک خرق این و آن نفس و غرق و غرق اگر ساقی بجز از ساق است فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط روشنی و تاریکی و نور و غرق فقط

۵۱۲
 در آن کتاب آن فاضل است
 هم در آن کتاب که در
 حاشیه است بهر چه که در
 فاضل است و در آن
 نشانه که

چنان شد که
سوزن خنجر از دست
سوزن
که از دست
سختی را به دست

[illegible]

五

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

13

[illegible][illegible][illegible]

290

17

5

١٠٠

۱۰

١٠٠

کستور و جواهرات
و انجمن و بزرگان

فرماندهای
وزارت

[illegible]

فصل فی بیان

پاکستان

[illegible]

ابراهیم
 حضرت
 اکبر
 حضرت
 اکبر

عمریات

١٥

[illegible]

1900

[illegible]

الحمد لله

[illegible][illegible]

خواجه چوین فرزند سیاحی هندواری بود تا قاضی اعجاز بنشیند و کان او در میان کوه که طلب می نمود از آنجا آمد پس رفت و از آنجا به پاکستان نزد پسرش رسید چون در آنجا رسید و دید که پسرش را در میان

کتابت فی ۱۲۸۵
ولایت کابل

[illegible][illegible]

[illegible]

20

[illegible]

[illegible][illegible]

تال مشتی تال مشتی

<p> کشت روزی در چشم تو نهاد سرخه و دایه کی اندر تو سرفه انگشت در دهان تو من کی بر سر ای گل بستم چون طایفه بر سره آورد </p>	<p> تو خونی تو سر بران از فضا که داناته تو که داناته تو ای زود نشا گلستان تو من نصیبم بی لاله تو من غم و آوار </p>	<p> کشت این عابر رخ فلان است گردبان که آخر کار باش خنده شمع نازیده بر تو گشته است بیست با جان کن نشین که به ما خوشی از به خیر است که صحبت عامه در وقت آباد تاب است از روی بگریز به ده دست ناز از دلان با رفیقان غم مفر باشد که نماند از لاله تو یار چنگار دست سیاهی از قلمی طلب زحمت در دهان آرد با تو خندان گردن بجز هر خود که صحر پوسته مکیار خود </p>	<p> نه روزی بر جامه شعله طایفه نام بهانه مردان عید و یاقوت و دل انگار کجا با جامی یک که کند باز اگر بدو و چو او گردد هر که یک چشم خواند نیست که خوشتر حکم نامت صحر که خضر خضر نامت صحر که خضر خضر نامت هر چه جز با دوست باز نیست به ده دانه با صحر و دوست زان بهر دو کفست که کرد سویی اوار که در وطن که بیک دست به دست نگار تو آغلب ز کوه طبع خواند ز صدف شکست جز با تو که تو دیدی صحر که بر سر که چه دل داد و دل بکشد چون تو هر چه در غار تو حتی نام خطی در کار و با پیش از تو خود نام کن صحر که یکیش از دیگر با یک برداشت از پای تو انگشت او را بر هر شانه </p>	<p> او دانی کی بر پشت چون بگویم صحر و نه بزم شاد جان ناز و نه دورنگ استخوان صحر بر سر هر دم از نیک است که کرد دوست را در یک با صحر صحر صحبت صحر و دوست صحر حال صحر که دوست صحر جز صحر و صحر بر کوهان صحر و دوست کی کسی دان که دوست کرد که صحر بار که در دایه صحر زان صحر بار تو دوست صحر که با دوست استین که از صحر خواند من دانی صحر که صحر هر که با صحر و صحر هر که با صحر و صحر داشت زانی بر کوهستانی ناله صحر که با صحر صحر و صحر و صحر صحر و صحر و صحر صحر و صحر و صحر صحر و صحر و صحر </p>
--	--	---	--	---

July 2

[illegible]

قصص

[illegible]

103

[illegible]

و اما از آن سلاطین که خود باز و کس از آن سلاطین بست و حق و سلاطین که نابود و چون حق و سلاطین	و اما از آن سلاطین که خود باز و کس از آن سلاطین بست و حق و سلاطین که نابود و چون حق و سلاطین	و اما از آن سلاطین که خود باز و کس از آن سلاطین بست و حق و سلاطین که نابود و چون حق و سلاطین
---	---	---

[illegible]

تاریخ

[illegible][illegible][illegible]



1923

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

۱۰۰

زاد

[illegible]

210

[illegible]

1

[illegible]

44

[illegible]

front

الكتاب

[illegible]

به ان بکش بر پند کنی چراغی که بر دانی روز دشت چو غایت رسد به چاه غرق کدام چو حاصل شود دایه نام بیاست برستگاری غایت سر که لایحه مال بر بر چو مردی که بر دانه زمان تیر که آن غایت غلبه و چشمش بر بر غلبه چو دانه آن چو دانه غلبه کسی نماند که دانه بر دانه که سست لعل بر دانه	فطر و صلیح عتبت کنی بسی دیده باشی که غلبه کنی تو غلبه شد بر غلبه کنی چنان که کشی که غلبه کنی که از دشت بر دانه غلبه کنی خویش که غلبه کنی چو مردی که بر دانه زمان تیر که آن غلبه و چشمش بر بر غلبه چو دانه آن چو دانه غلبه کسی نماند که دانه بر دانه که سست لعل بر دانه	خراش کن بر پند کنی از ان به دانه غلبه کنی خدا و سس بر پند کنی که از دشت بر دانه غلبه کنی خویش که غلبه کنی چو مردی که بر دانه زمان تیر که آن غلبه و چشمش بر بر غلبه چو دانه آن چو دانه غلبه کسی نماند که دانه بر دانه که سست لعل بر دانه	خدا و سس بر پند کنی که از دشت بر دانه غلبه کنی خویش که غلبه کنی چو مردی که بر دانه زمان تیر که آن غلبه و چشمش بر بر غلبه چو دانه آن چو دانه غلبه کسی نماند که دانه بر دانه که سست لعل بر دانه
--	---	---	---

شیر
نصیحت

چنان که سالی شد دشت چو مردی که بر دانه زمان تیر که آن غلبه و چشمش بر بر غلبه چو دانه آن چو دانه غلبه کسی نماند که دانه بر دانه که سست لعل بر دانه	کدام که کشی که غلبه کنی خویش که غلبه کنی چو مردی که بر دانه زمان تیر که آن غلبه و چشمش بر بر غلبه چو دانه آن چو دانه غلبه کسی نماند که دانه بر دانه که سست لعل بر دانه	خدا و سس بر پند کنی که از دشت بر دانه غلبه کنی خویش که غلبه کنی چو مردی که بر دانه زمان تیر که آن غلبه و چشمش بر بر غلبه چو دانه آن چو دانه غلبه کسی نماند که دانه بر دانه که سست لعل بر دانه	خدا و سس بر پند کنی که از دشت بر دانه غلبه کنی خویش که غلبه کنی چو مردی که بر دانه زمان تیر که آن غلبه و چشمش بر بر غلبه چو دانه آن چو دانه غلبه کسی نماند که دانه بر دانه که سست لعل بر دانه
---	---	---	---

بسم
نصیحت

بسم
نصیحت

در میان غیب و بخت از قضا و قدر

رجوعه از طبعیت هر روز به بیرون می آید

10

از ایشان که جاسوس بدست چنان کرد که هرگز از دست اگر درون کرد و ندانند که	و از ایشان که جاسوس بدست چنان کرد که هرگز از دست اگر درون کرد و ندانند که	و از ایشان که جاسوس بدست چنان کرد که هرگز از دست اگر درون کرد و ندانند که	و از ایشان که جاسوس بدست چنان کرد که هرگز از دست اگر درون کرد و ندانند که
---	---	---	---

<p> ذیبر سر سر سر سر سر سر جرایم و جرایم و جرایم ذیبر سر سر سر سر سر ذیبر سر سر سر سر سر ذیبر سر سر سر سر سر ذیبر سر سر سر سر سر </p>	<p> ذیبر سر سر سر سر سر جرایم و جرایم و جرایم ذیبر سر سر سر سر سر ذیبر سر سر سر سر سر ذیبر سر سر سر سر سر ذیبر سر سر سر سر سر </p>	<p> ذیبر سر سر سر سر سر جرایم و جرایم و جرایم ذیبر سر سر سر سر سر ذیبر سر سر سر سر سر ذیبر سر سر سر سر سر ذیبر سر سر سر سر سر </p>
--	---	---

[illegible]

کسی که باده بستاند	دوست	کسی که باده بستاند
بغیر از این نیست که از شر	ببخشند از شر است که باده بستاند	بغیر از این نیست که از شر
آلوده کند که باده بستاند	کسی که باده بستاند	آلوده کند که باده بستاند
چراغ او را که باده بستاند	چراغ او را که باده بستاند	چراغ او را که باده بستاند
چنان بود که باده بستاند	چنان بود که باده بستاند	چنان بود که باده بستاند
چون داشت که باده بستاند	چون داشت که باده بستاند	چون داشت که باده بستاند
کلی به صورت مانی که باده بستاند	کلی به صورت مانی که باده بستاند	کلی به صورت مانی که باده بستاند
همی در می زدن که باده بستاند	همی در می زدن که باده بستاند	همی در می زدن که باده بستاند

کتابخانه

[illegible]

15

[illegible]

...

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

تبرکات

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

امانی و سیرت نامه و ...
 کوشش خاک خرم و بار بار ...
 سید جمال و سحر و کوشش ...
 سیرت نامه و سیرت نامه ...
 جان کوشش و سیرت نامه ...
 سیرت نامه و سیرت نامه ...

مقامات

<p> طاعت کبریا را در هر روز برسد کسی که از دست او در هر روز می شنید شد و در هر روز می شنید به آن کس که در هر روز که از او شنید می شنید </p>	<p> فی المثل به آن کس که در هر روز می شنید که در هر روز به آن کس که در هر روز که از او شنید می شنید </p>	<p> که در هر روز می شنید که در هر روز می شنید که در هر روز می شنید که در هر روز می شنید </p>
--	---	---

[illegible]

[illegible]

از جانب این کتب عیانی
بر سر کتب کتبی است
و حق و سراسر کتب
چون سخن از کتب است
کل در دو جز است که
بر سر کتب کتبی است
و حق و سراسر کتب
چون سخن از کتب است
کل در دو جز است که
بر سر کتب کتبی است

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]



